



گفت وگویی «شرق» با «خجو» دختر ماهیگیر جزیره هنگام

ما هیچ، ما نگاه

هزار وعده مسئولان یکی وفا نکرد

مجوز ماهیگیری تا بتوانم از بیمه یا کارت سوخت استفاده کنم. تلاش‌های زیاد و بی‌نتیجه برای گرفتن مجوز اقامتگاه بوم‌گردی و پذیرایی و اسکان مسافران و گردشگرانی که به جزیره ما می‌آیند و سرکردن ماهی‌هایی که صید می‌کنیم که متأسفانه هنوز هم به نتیجه نرسیده است؛ چون این کار نیاز به حمایت مسئولان و ارگان‌های مربوطه از نیروی جوان و بومی جزیره دارد تا هم بافت بومی جزیره حفظ شود و هم جوان‌های جزیره مجبور نشوند به خاطر کار جزیره را ترک کنند». به گفته خجو درحال‌حاضر مالک اکثر اقامتگاه‌های جزیره غیربومی‌ها هستند؛ زیرا سرمایه داشتند و توانستند زمین بخرند و بسازند؛ «ما هم استقبال می‌کنیم؛ چون این کار باعث آبادانی جزیره می‌شود؛ اما ای کاش حمایتی هم از جوانان بومی جزیره که سرمایه‌ای ندارند، می‌شد تا سنت و بافت قدیمی و بومی جزیره حفظ شود. من به‌عنوان یک فرد نوعی مثل بقیه جوان‌های جزیره از سال ۹۷ برای این کار اقدام کردم از جزیره هنگام به‌سختی و با پرداخت کلی کرایه تاکسی و… بارها و بارها مسیر ۴۵ کیلومتری تا قشم و حتی بندرعباس را طی کردم. هر بار برای نامه‌ای از این اداره به آن اداره رفتم. از اداره گردشگری گرفته تا سازمان منطقه آزاد قشم». از فرمانداری تا جاهای دیگر ولی هنوز جوابی نگرفتم. اکثر جوان‌های بومیی برای این کار جزیره را ترک می‌کنند یا برای اقامتگاه‌های دیگر کار می‌کنند». خجو تأکید دارد: «محل زندگی ما همین جزیره هنگام است، هیچ وقت به اینکه این جزیره را ترک کنم. حتی فکر هم نکردم، همسرم هم با اینکه شغلش در جزیره قشم است؛ اما در رفت‌وآمد است و ما اینجا ساکنیم».

● **روش صیادی‌تان به چه صورت است و برای فروش ماهی‌های صیدشده به چه مشکلی برخوردید؟**

روش صیادی ما با نخ و قلاب است و با تور نیست. در نتیجه صید خیلی کمتری نسبت به کسانی داریم که با تور اقدام می‌کنند. شاید یک روز سید ماهی‌مان پر شود، شاید هم یک هفته دریا برویم و دست خالی برگردیم. در نتیجه نمی‌توانیم در بازار فروش ماهی رهاقتی داشته باشیم، مدتی صفحه اینستاگرامی برای فروش بی‌واسطه و ارسال به جاهای دیگر را امتحان کردم که آن‌هم با اوضاع فیلترینگ به نوعی نامیدکننده پیش می‌رود.

ما می‌توانیم به جای فروش ماهی همین ماهی را اسر سفره جلوی گردشگر بگذاریم. این‌طوری حاصل بهتری از صیدمان به دست می‌آید. در کنارش هم می‌توانیم صنایع دستی و طراحی نقش حنا و حتی تولید لباس و پوشش محلی

جزیره را انجام دهیم. درحال‌حاضر هم این کار را انجام می‌دهیم و با سازوکار آن غریبه نیستیم؛ اما مثلاً الان ما در یک واحد صنفی ۳۰متری من، مادرم، دو‌تا از خاله‌هایم، دخترخاله‌ها، زن‌داداشم و خواهرم به همراه پدربزرگم و همسرش مشغول امرار معاشیم؛ کمی عجیب است؛ اما واقعی است. همگی از همین رستوران چرخ زندگی‌مان را می‌چرخانیم. درحالی‌که می‌شد این تعداد نیرو بتوانند به‌راحتی چرخ یک اقامتگاه بوم‌گردی را بگردانند. این فقط شامل من و خانواده من نمی‌شود. واقعا با یک برنامه‌ریزی و حمایت مسئولان، خانواده‌های زنان ماهیگیر جزیره که تعدادشان به ۳۰ نفر هم نمی‌رسد، امور مربوط به بوم‌گردی جزیره را سروسامان دهند.

◆ **زنان ماهیگیر چرا برای گرفتن بیمه مشکل دارند؟ چه مانعی وجود دارد؟**

چون ما هنوز مجوز نداریم که بتوانیم بیمه شویم. مثلاً درباره مجوز هم بگویم که عکسی از ۱۲سالگی‌ام در اینترنت و فضای مجازی هست، همراه با این تیتِر که زنان ماهیگیر هنگام، مجوزدار می‌شوند. این را گفتم که بگویم اگر یک جست‌وجوی ساده کنید، متوجه می‌شوید که از سال‌های خیلی دور تا حالا صحبتش بوده و حتی مستندهای زیادی درباره فعالیت زنان ماهیگیر جزیره هنگام منتشر شده. هنوز هم برنامه زنده شبکه ۲ دعوت شدم و آنجا روی آنتن زنده از طرف جناب دکتر عالی‌زاده، معاون امور دریایی و بنادر بندرعباس، این قول به ما داده شد. مراحل اداری را هم برای این موضوع طی کردیم؛ ولی تا الان که من با شما صحبت می‌کنم، هنوز چیزی به‌عنوان مجوز یا بیمه و… به دست‌مان نرسیده. هنوز هم بنزین‌مان آزاد است و سهمیه‌ای نداریم. هنوز هم خیلی داغ هست این موضوع و صحبتش هست که همین روزها این مجوزها به دست‌مان برسد. ما هم امیدواریم که سرانجام به نتیجه برسد. اهالی هنگام مردم زحمتکش و مظلومی هستند که با کمک خدا و طبیعت و دریا و نعمت‌هایش چرخ زندگی را پیش می‌برند و با کمی حمایت دلسوزانه مسئولان می‌توانند جایگاهی بهتر از این داشته باشند.

من صحبتی با مسئولان مربوط به گردشگری دارم و آن اینکه بیایند و رودررو با مردم هنگام صحبت کنند. من که هر وقت به دیدار مردمی رئیس منطقه یا فرماندار یا اداره گردشگری رفتم، موفق نشدم یا در بهترین حالت دو دقیقه به حرفم گوش کردند و محترمانه به اتاق بغلی و اداره‌های دیگر حواله‌ام دادند و گفتند حرف‌های‌تان قشنگ است؛ اما به اداره ما مربوط نمی‌شود یا از حیطه کار ما خارج است!

اما اگر واقعا کوشی هست که بشود، یک‌سری به اهالی هنگام بزنند و خودشان قدمی در این جزیره بزنند و ببینند چقدر خانه‌ها و اقامتگاه‌هایی که به سبک مراکشی و یونانی و… ساخته می‌شود که هیچ ربطی به اقلیم اینجا ندارد و شاهد نابودی بافت بومی جزیره، بافت زیبای جنوبی و سنتی ایران باشند. شاید تصمیم بهتری جز خارج‌کردن ارباب‌رجوع از اتاق‌شان بگیرند.

من از زسان بقیه خانم‌های ماهیگیر و بقیه دختر و پسرهای جوان جزیره هم می‌گویم، شغل اصلی‌ام ماهیگیری است، همین ماهی را برای گردشگر سرو می‌کنم، غذاهای محلی دیگر و سمبوسه و ترشی و شیرینی درست می‌کنم. در کنارش صنایع دستی کار می‌کنم، برقع، لباس محلی، کلابتون‌دوزی و طراحی



نقش حنا روی دست کار می‌کنم. اگر خانواده‌ای مثلا از تهران به اینجا بیاید، می‌توانیم بهتر از هر کس دیگری ببریم زیبایی‌های جزیره را نشان‌شان بدهیم؛ چون اینجا زندگی کردیم و بهتر از هر کس دیگری اینجا را می‌شناسیم؛ اما نمی‌توانیم! چرا؟ چون زمینی برای این کار نداریم، سرمایه‌ای نداریم!

چرا واقعا مسئولان نمی‌خواهند از این قشر حمایت کنند؟ این‌همه زمین خدا چرا جوان‌های ما باید بی‌کار باشند و نتوانند از این پتانسیل‌ها استفاده کنند؟ مادرم ۳۰ سال است که کار می‌کند؛ ولی الان با درد و مریضی‌هایی که دارد، دیگر کمتر می‌تواند دریا برود، بیمه‌ای هم ندارد که از آن استفاده کند؛ ولی من الان اول راه هستم. چرا نباید تغییری به این روند بدهم؟

ما بومی‌ها که نداریم متری فلان قدر زمین بخریم. الان که من با شما صحبت می‌کنم، زمین متری هفت، هشت میلیون تومان است. ما سرمایه‌مان کجا بود. نه می‌توانیم بخریم، نه حتی اجاره کنیم. نشستیم تماشا می‌کنیم که از آن طرف مثلا بنده خدایی می‌آید هزار متر زمین می‌خرد و دو، سه‌ماهه با مصالح از پیش ساخته‌شده می‌سازد و بالا می‌آورد. هرکسی هم سلیقه‌ای دارد. ملک خودش هست، هر مدلی دلش بخواهد هم می‌تواند بسازد. اکثر اقامتگاه‌ها یا هاستل‌ها (میهمان‌پذیرها) به سبک مراکشی و یونانی ساخته می‌شوند؛ چون شبیه تم جنوبی است و جدید توی جنوب ایران طرفدار پیدا کرده، اول صحبت‌هایم هم گفتم اتفاقا اهالی هنگام آن‌قدر میهمان‌نوازند که از این موضوع هم استقبال می‌کنند؛ چون باعث آبادانی می‌شود؛ ولی حرف من این است که کاش حمایتی هم از بومی‌های جزیره می‌شد تا هم بافت بومی حفظ شود، هم گردشگری که می‌آید اینجا، واقعا محیط بومی و غذای بومی و حتی پوشش بومی و آداب و رسوم بومی را تجربه کند.

◆ **درآمد و فروش ماهی از طریق اینستاگرام قبل از فیلترشدن به چه صورت بود؟ و بعد چه تغییری ایجاد شد؟**

راستش من شروع کارم بود، تا مردم بشناسند و اعتماد کنند زمان می‌برد. از نحوه صید و پاک‌کردن ماهی و مرحله بسته‌بندی و فریزکردن و ارسال، عکس و فیلم گذاشتیم تا کم‌کم مشتری جمع کردیم؛ ولی چه فایده که یک‌شبه با فیلترشدن اینستاگرام دکان مجازی‌مان تعطیل شد. البته یک‌سری از مشتری‌ها که قبلا از ما خرید کردند، شماره تماس‌مان را داشتند و باز هم سفارش می‌دادند. ولی خب فروش مجازی‌مان تغییر که نمی‌توان گفت، در واقع تعطیل شد.

◆ **جایی نوشته بودی می‌گویند ماهیگیری شغل زنان نیست، این را از چه کسانی شنیدی؟**

من این حس را هر بار که می‌خواهیم بنزین بخریم، دارم. اگر مجوز داشتیم به ما کارت سوخت می‌دادند. بیمه می‌شدیم. از نگاه بعضی‌ها هم این کار مردانه به نظر می‌آید. کامنت‌های عکس‌ها را که می‌بینم، بعضی افراد نوشته‌اند مگر اینها می‌توانند ماهی را بالا بکشند یا این با لاک‌هایش چطور می‌رود ماهیگیری! البته من از این حرف‌ها دلخور نمی‌شوم اما از آن مسئولی که به ما مجوز نمی‌دهد یا حمایتان نمی‌کند خیلی.

حتی سر واگذاری زمین برای اقامتگاه بوم‌گردی هم این را بارها شنیدم که یا باید ازدواج کنی یا ۳۷ سالت شود.



نقدها و ایرادات فنی مستدل خودشان بر این پایش‌ها را به شکل یک مقاله و یا گزارش علمی در نشریات مروری مرتبط منتشر کنند تا زمینه برای گفت‌وگو و نقدهای مؤثر بر مبنای چارچوب‌های شناخته‌شده در جهان علم فراهم شود. ارائه این پیشنهاد از این جهت است که صرف طرح این ادعا که «پایش اصولی یوزپلنگ انجام نگرفته است»، بدون تعریف چارچوب‌های یک پایش اصولی توسط گوینده، ادعایی اباطال‌پذیر نیست و در نتیجه در قلمرو علم جایی ندارد. بدیهی است پیش‌نیاز هر بحث علمی‌ای پیرامون چنین ادعایی، انتشار علمی آن و تعریف اصول دقیق پایش مورد نظر ایشان است. این مسئله از این جهت ضرورت دارد که هرچند گفت‌وگوهای مطبوعاتی جذاب برای آگاهی‌بخشی، نقد و حتی طرح پرسش‌های ابزاری قدرتمند است، اما در هیچ جای جهان برای طرح ادعاهای دقیق علمی جایگزین روش‌های ذکرشده در بالا نشده‌اند.

علی رنجبران

مرضی پورمیرزای

کاوه حب‌علی

محمدصادق فرهادی‌نیا

واکنش چند کارشناس حفاظت از یوز به یک گفت‌وگو در «شرق»

ارائه اطلاعات نادرست و غیرمستند کمکی به حفظ یوز نمی‌کند

سند و مدرک است که متأسفانه در این مصاحبه از خوانندگان

دریغ شده است. و البته سؤال مهم‌تر این است که آن «حد بحرانی» مدنظر آقای زمانی چندتااست تا بتوان به اقدامات اورژانسی حفاظتی مانند تکثیر در اسارت فکر کرد؟

ادعای دوم: «هیچ مطالعه ژنتیکی روی یوز آسیایی انجام نشده است.» برخلاف ادعای آقای زمانی، تا به حال حداقل چهار مقاله علمی توسط متخصصین ایرانی و اروپایی در ژورنال‌های معتبر علمی بر مبنای مطالعات ژنتیکی متفاوت درباره یوز آسیایی به چاپ رسیده است. درست است که «مطالعه کامل ژنوم» یوزپلنگ آسیایی انجام نگرفته، ولی این ادعای گزافی است که بگویم هیچ مطالعه ژنتیکی انجام نشده است. طرح این ادعا علی‌رغم آنکه زمینه‌تحصیلی آقای زمانی ژنتیک بوده است، نشان از آن دارد که یا ایشان به هیچ وجه مقالاتی که در سال‌های اخیر درباره ژنتیک یوز منتشر شده را مطالعه نکرده و بدون آگاهی چنین ادعایی کرده‌اند، یا آگاهانه به قصد نشر اطلاعات ناصحیح چنین ادعایی را مطرح کرده‌اند.

ادعای سوم: «بدون مطالعه ژنتیکی نقشه راه نداریم» برخلاف ادعای ایشان مطالعات ژنتیکی تنها ابزار موردنیاز برای برنامه‌ریزی برای حفاظت از گونه‌ها نیستند، بلکه تنها یکی از مجموعه ابزارهای متنوع برای تهیه نقشه راه مطالعات ژنتیکی است. در توضیح بیشتر این مسئله باید گفت که در حفاظت ابزارهای متفاوت برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های متفاوت طراحی شده‌اند و در نتیجه برای فهم بهتر وضعیت و برنامه‌ریزی دقیق‌تر به مجموعه‌ای از ابزارها نیاز است. اینکه ایشان معتقدند زحمات سال‌های متمادی کارشناسان و متخصصین مختلف، به دلیل فقدان مطالعات ژنتیکی فاقد ارزش است (که البته می‌دانیم مطالعات ژنتیکی متعددی هم انجام شده و ایشان از آنها ناگاه بوده‌اند)، نشان از رویکرد و تفسیری ساده‌انگارانه از پیچیدگی‌های حفاظت از گونه‌ها به عنوان یک علم چندوجهی است.

عکس: تاینز/کافی‌پان، آرنا